

کومه له در "جنبش ملی کرد"

عبدل گلپریان

ایران متمرکز بود. تحریف تاریخ گذشته حزب کمونیست و کومه له، پیش درآمد نشان دادن رویکرد امروز رهبری کومه له به سوی جریانات ناسیونالیسم کرد در سیمای قومی - اسلامی آن در معادلات سیاسی منطقه قابل بررسی و ارزیابی است.

خطاب این نوشته به ابراهیم علیزاده و کسانی که در این سازمان خود را با جهت گیری و متد او همراه میدانند نیست بلکه خطاب من به کسانی و یا طیفی از اعضا و کادرهای کومه له است که خود را با چنین رویکردی در رهبری این سازمان شریک و همسو احساس نمیکند و در قبال تاریخ گذشته این سازمان و در قبال کارگر و کمونیسم در کردستان خود را مسئول و متعهد دانسته و وجود دو جنبش متفاوت را بعنوان واقعیت عینی جامعه کردستان برسمیت می‌شناسند.

رهبری کومه له اکنون دیگر رسماً پذیرفته است که در کردستان یک جنبش همه با هم وجود دارد و کومه له نیز سازمانی چپ در کنار دیگر جریانات ناسیونالیستی و اسلامی در درون یک جنبش واحد می باشد. بنابراین اتخاذ سیاست، تاکتیک و هر نوع همکاری و ائتلاف با جریانات مختلف در کردستان بر پایه تعریف از یک جنبش، آنها هم "جنبش خلق کرد" رهبری این سازمان را مجاز میدارد که الگوی احزاب حاکم بر

صفحه ۲

ایبراهیم علیزاده در آخرین مصاحبه خود با رادیو پیام کانادا، قابل شدن و ورود به جنبش ملی کرد را رسماً اعلام کرد. البته این امر تازگی ندارد. سکوت بیش از دو دهه این سازمان در مقابل عملکرد احزاب ناسیونالیست - قومی و اسلامی حاکم بر مردم کردستان عراق، نیرو گرفتن جریانات قومی و فدرالی از کومه له، شرکت در "کنگره ملی کرد"، تحریف تاریخ حزب کمونیست ایران و کومه له و این اواخر نیز استقبال از پروژه بازرانی در موسسه میری و پانلهای روداو برای ایفای نقش در شکافهای منطقه ای، تلاش و کارنامه این سازمان در تعلق خاطر به جنبش ملی کرد رابه اندازه کافی نشان داده است. آنچه که تازه است اعلام رسمی ملحق شدن به این جبهه از سوی دبیر اول کومه له بر بستر تحولات سیاسی در معادلات منطقه است.

اعلام این موضع و اتخاذ چنین متدی برای نزدیکی و همکاری با احزاب متعلق به جنبش قومی - اسلامی، تفاوتی بنیادی با افق، اهداف و سیاستهای سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران دارد. بی دلیل نبود که سخنرانی ابراهیم علیزاده در دانشگاه سلیمانیه حول تحریف تاریخ حزب کمونیست

صفحه ۲

قرار در مورد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۸

در نقد جهتگیری ناسیونالیستی کومه له
مصاحبه رادیو پیام کانادا با حمید تقوایی

اینکه حزب کمونیست کارگری ایران هم در کردستان فعال است چرا در این نشست و اتحاد شرکت نکردید؟

حمید تقوایی: برای ما دعوت نامه ای نفرستادند بخاطر اینکه یک سازمان کرد، یک سازمان ناسیونالیستی کرد، نیستیم لریشه مساله اینجاست. همین سؤال شما صفحه ۳

دموکرات کردستان ایران، حزب کومله زحمتکش کردستان، حزب کومله کردستان ایران، حزب دموکرات کردستان، سازمان خبات کردستان ایرانو کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در یک نشست بیانیه مشترکی را امضا کردند و انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا را تحریم کردند. سؤال اول من اینست که با توجه به

این نوشته متن کتبی و ادیت شده مصاحبه با رادیو پیام کانادا است که در نشریه انترناسیونال شماره ۷۱۶ منتشر شده است. این مصاحبه را در نشریه ایسکرا بازتکثیر میکنیم ایسکرا

رادیو پیام: همانطور که میدانید شش حزب و سازمان، حزب

اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور جریان دارد



اعتراضات متعدد کارگران در مراکز مختلف و در نقاط مختلف کشور جریان دارد. این روندی است که همچنان ادامه خواهد یافت و وسعت و تعرضی تر خواهد شد. تنها در چند روز گذشته کارگران شبکه کابل هوایی مخابرات مشهد، بیش از ۱۵۰۰ کارگر مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران شرکتی شهرداری زاهدان، کارگران مشهد

نخ، کارگران اخراجی آذر آب اراک، شهرداری اهواز، کارکنان مترو کارگران فضای سبز منطقه دو

صفحه ۲

گوشه ای از هزاران جنایات جمهوری اسلامی علیه مرز نشینان

صفحه ۵

هزار علیپور

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۶

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۷

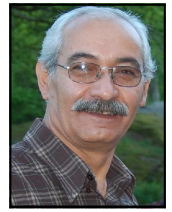
عزیزه لطف الهی

حمله وحشیانه به کارگران بیکار در آق دره و دستگیری کارگران معترض

صفحه ۸

حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **کومه له در جنبش ملی...**

کردستان عراق را در تحولات آینده کردستان ایران برای دست یابی به افق و اهداف این جریانات از بالا بکار گرفته شود.

در کردستان دارد قابل توضیح و بررسی بوده است.

اسناد مربوط به پراتیک و هویت سیاسی و طبقاتی کومه له بعنوان جریانی برآمده از گرایش چپ اجتماعی و مدافع حقوق کارگر و زحمتکش در کردستان بویژه بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران قابل رجوع و قابل دست یابی است.

با فرض پذیرش تعریف اخیر رهبری کومه له که این سازمان را در صف نیروهای ناسیونالیستی - اسلامی و بورژوازی کرد جای داده است، هر عضو و کادر این سازمان که خود را در مقابل افق و اهداف سوسیالیستی و کارگری در کردستان متعهد و مسئول میدانند باید این سوالها را در مقابل رهبری این سازمان قرار دهد که، در دهه شصت جنگ حزب دمکرات علیه کومه له بر سر چه بود؟ سکوت بیش از دو دهه کومه له در مقابل اعمال و رفتارهای ضد زن، ضد کارگر و ضد کمونیستی احزاب حاکم بر کردستان عراق با توجهات دیپلماسی چه جایگاهی در اسناد هویتی کومه له داشته است؟ تلاش برای حل شدن در "کنگره ملی کرد"، تحریف تاریخ

حزب کمونیست ایران، سر از پا نشناختن در استقبال از پروژه بارزانی در "موسسه میری" و "پانلهای روداو" که نتایج آن قرار گرفتن کومه له در جبهه احزاب قومی و اسلامی است، چه ربطی به منافع کارگران، مردم و کمونیستها در کردستان دارد؟ آیا قائل شدن به یک جنبش بنام "جنبش خلق کرد" به معنای برسیمت شناختن جنبش سوسیالیستی و کارگری که تاریخاً حضور در این جنبش موجب کسب اعتبار و اتوریته برای کومه له شد، نیست؟

اینها سئوالاتی هستند که هر عضو، کادر و فعال این سازمان که خود را مدافع پیگیر آرمانهای سوسیالیستی و کارگری میدانند لازم است پاسخ آنها را از رهبری سازمان متبوع خود دریافت کند.

تاریخ گذشته کومه له بعد از تشکیل حزب، هیچگاه قائل به وجود یک جنبش در کردستان نبود و آنرا برسیمت شناخت بلکه این حزب دمکرات کردستان ایران بود که بر وجود یک جنبش همگانی بورژوازی

پای میفشرد، منکر وجود کارگر در کردستان بود و کومه له را بعنوان نماینده و سخنگوی کارگر و کمونیسم در کردستان قبول نداشت. افشای ماشاات و مذاکرات پنهانی و علنی حدکا با نمایندگان خمینی و دولت موقت که مدام مورد نقد و تعرض تند و تیز نماینده گان و سخنگوییان جنبش چپ در کردستان قرار داشت، پیشینه ای قدیمی تر دارد. امروز اما بر بستر تحولات سیاسی در منطقه و ایجاد قطب بدیهای موجود، گفتن از وجود یک جنبش متشکل از احزاب قومی - اسلامی و فدرال چی، معنایی جز دست شستن کومه له از جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان ندارد. جنبشی که اعتبار و اتوریته کومه له را خلق کرد امروز در پیشگاه جریانات ناسیونالیست، قومی و اسلامی به حراج گذاشته میشود.

آنانی که دل خود را خوش کرده و معتقدند که حضور کومه له در این عرصه ها یعنی تاثیر گذاری بر احزاب و جریانات ناسیونالیستی و اسلامی، لازم است به این سئوال محوری پاسخ دهند که آیا به وجود یک جنبش علی العموم بنام جنبش خلق کرد آنگونه که ابراهیم علیزاده بیان کرده و کومه له را جناح چپ آن معرفی میکنند واقف هستند یا اینکه بر این باورند که در دنیای واقعی تاریخاً در ابعاد اجتماعی و طبقاتی در کردستان دو جنبش وجود داشته است؟

رهبری کومه له با قائل شدن به وجود یک جنبش بنام، "جنبش خلق کرد"، عدم تعلق این سازمان به جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان را اعلام کرده است.

رهبری امروز کومه له در شرایطی دست به ارزان فروشی زده و دارد خود را در جنبش ناسیونالیستی - اسلامی کرد حل میکنند که برای کارگران و زحمتکشان و توده های مردم در کردستان وجود جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان امری جا افتاده، بدیهی و با پیشینه ای تاریخی و درخشان عمیق تر از سه دهه گذشته در میدان مبارزه حضور دارد. جنبشی که در دهه شصت گردن کشی و قلداری حزب بورژوازی کرد (حدکا) را با قاطعیت پاسخ داد و این حزب را سر جای خود نشاند.

از صفحه ۴ **اعتراضات کارگری در ...**

تهران، کارگران معادن زغال سنگ هشونی غربی و کوهبنان و خانواده های آنها، کارگران مترو تهران، کارگران کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان، ۱۵۰۰ کارگر پارس قو، کارگران شهرداری نورآباد، کارگران شرکت ماهی کارون شوشتر، خانواده های کارگری در آق دره تکاب، کارگران شاغل در بخش های خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان، کارگران معدن پایدانی جنوبی زرنند کرمان، کارگران منطقه هشت شهرداری اهواز، کارگران کاغذ پارس در هفت تپه و کارگران منطقه سه وهشت شهرداری اهواز بارها دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده تا خواست های خود را به کرسی بنشانند. بیشتر از اعتراضات چندین روز ادامه داشته است. از ناامنی شغلی تا امنیتی کردن محیط کار، از نپرداختن دستمزد کارگران تا مشکلات بیمه و بازنشستگی و انواع اجحافات دیگر موضوع اعتراض کارگران بوده است.

تهران، کارگران معادن زغال سنگ هشونی غربی و کوهبنان و خانواده های آنها، کارگران مترو تهران، کارگران کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان، ۱۵۰۰ کارگر پارس قو، کارگران شهرداری نورآباد، کارگران شرکت ماهی کارون شوشتر، خانواده های کارگری در آق دره تکاب، کارگران شاغل در بخش های خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان، کارگران معدن پایدانی جنوبی زرنند کرمان، کارگران منطقه هشت شهرداری اهواز، کارگران کاغذ پارس در هفت تپه و کارگران منطقه سه وهشت شهرداری اهواز بارها دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده تا خواست های خود را به کرسی بنشانند. بیشتر از اعتراضات چندین روز ادامه داشته است. از ناامنی شغلی تا امنیتی کردن محیط کار، از نپرداختن دستمزد کارگران تا مشکلات بیمه و بازنشستگی و انواع اجحافات دیگر موضوع اعتراض کارگران بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ خرداد ۱۳۹۶
۲۰ ژوئن ۲۰۱۷

در دایره همان ادعاهای حزب دمکرات در چهار دهه قبل است.

امیدوارم گرایش کمونیستی و کارگری باقیمانده در سازمان کومه له بتواند و قادر باشد در مقابل این رویکرد واکنش جدی سیاسی، کمونیستی و طبقاتی از خود نشان دهد و بتواند از هویت طبقاتی و سیاسی جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان و از سازمان خود بعنوان مدافع افق، اهداف و سیاستهای این جنبش دفاع کند و اجازه ندهد رهبری کنونی کومه له تاریخ درخشان مبارزه و جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان را بخاطر جای گرفتن و بحساب آوردن در شکافهای منطقه ای دو دستی تقدیم بارزانی و جریانات قوم پرست و اسلامی کرد نماید.

قدرت و اعتبار جنبش کارگری و کمونیستی در قامت کومه له در آندوران، چه از نظر سیاسی، اجتماعی، طبقاتی و چه از نظر نظامی حدکا را بشکست کشانید. بیش از سه دهه از آن تاریخ میگذرد و طی این مدت جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان بر مراتب پلاریزه شده تر، قوی تر، طبقاتی تر و شفافتر از هر دوره ای در جامعه کردستان در اشکال مختلف ابراز وجود کرده است.

اعلام رسمی این رویکرد از سوی رهبری کومه له، برداشتن گام بزرگی از سوی این سازمان بطرف افق، سیاست و اهداف جریانات قومی موسوم به کومه له، هر دو حزب دمکرات و جریان اسلامی بغایت ارتجاعی بنام سازمان خیبات است. قناعت کردن رهبری کومه له به وجود یک جنبش همه با هم که خود را جناح چپ آن میدانند، قرار گرفتن

در نقد جهتگیری ناسیونالیستی...



نشان میدهد که این ائتلاف اساساً بر سر مساله تحریم انتخابات نیست. حزب ما و خیلی از نیروهای کمونیست در سراسر ایران خیلی قاطع تر، پیگیرتر و فعالتر از این موتلفین انتخابات را تحریم کردند و مردم را از شرکت در این مضحکه بازداشتند ولی این نیروها در این ائتلاف نبودند بسادگی چون یک پسوند کردستان پشت اسمشان نبود. این نشان میدهد سیاستی که متاسفانه کومله در این انتخابات پیش گرفت صرفاً یک اتحاد عمل ساده در برخورد به انتخابات و یا تحریم انتخابات در کردستان نبود. این یک ائتلافی بود، یک نزدیکی و گردهمایی بود بین سازمانهای ناسیونالیستی کرد.

راديو پیام: البته آقای ابراهیم علیزاده در گفتگویی که اخیراً در همین رابطه با ایشان داشتم نظر متفاوتی دارند. نظر ایشان اینست که جنبشی در کردستان هست و لازم بود که ما پاسخی به ضروریات این جنبش بدهیم.

حمید تقوائی: بله من آن مصاحبه را شنیدم و خیلی متاسف شدم. بخاطر اینکه آن مصاحبه دقیقاً همین نکته را نشان میدهد که مینا و نقطه عزیمت این ائتلاف نزدیکی و همراهی با سازمانهای کرد بوده است. تاکید ابراهیم علیزاده در این مصاحبه وجود یک جنبش واحد در کردستان است. او صریحاً میگوید این ائتلافی بین گرایشهای مختلف در این جنبش بوده است. این به نظر من با ابتدائی ترین تحلیلها و تبیینها و سیاستهای کمونیستی و مارکسیستی مغایر است.

راديو پیام: میتوانید کمی بیشتر توضیح بدهید که چرا مغایر است؟

حمید تقوائی: از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران یک بحث

همیشگی ما این بود که حزب دموکرات و کومله دو گرایش یک جنبش واحد نیستند بلکه به دو جنبش متفاوت متعلقند. حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کوملهگرایشی در جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است که مشخصاً یک عرصه فعالیتش را مبارزه برای رفع ستم ملی و حل مساله ملی از زاویه منافع طبقه کارگر تشکیل میدهد. در مقابل، حزب دموکرات جنبش ناسیونالیستی در کردستان را نمایندگی میکند. حزب دموکرات البته هیچ زمان این تبیین ما را قبول نداشت و جنگی که در آن زمان بین کومله و حزب دموکرات در گرفت یک پایه اش همین مساله بود. حزب دموکرات همیشه خصلت طبقاتی مبارزات مردم و تضاد منافع بین کارگر و سرمایه دار در کردستان را انکار کرده است. گویا "خلق کرد" همه متحد و هم منفعت هستند و در کردستان نه کارگری

هست و نه سرمایه داری و نه استثمار. گویا این دو طبقه در کردستان متحزب نیستند و خواستها و اهداف متضادی ندارند. گویا همهمه یک جنبش واحد برای رهایی و رستگاری خلق کرد در برابر دولت مرکزی و فارسها مبارزه میکنند. این تبیین و دیدگاهی بود که حزب دموکرات کردستان همیشه در برابر کومله و حزب کمونیست ایران علم میکرد و بر آن پافشاری میکرد. در مقابل، یک مضمون همیشگی افشاگری و تبلیغات و آگاهگری ما تاکید بر این حقیقت بود که جامعه کردستان هم مثل هر جامعه دیگری طبقاتی است، طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار دارد و اینها اهداف و منافع متضادی دارند. حتی مساله ملی برای این دو طبقه دو جایگاه و دو راه حل دارد. از دید ناسیونالیسم کرد حل مساله کرد یعنی سهیم شدن در قدرت مرکزی و برخورداری از بازار کار و سرمایه خودی و استقلال قوانین مالیاتی و تعرفه ها و سرمایه گذاری ها و غیره و از دید طبقه کارگر رفع ستم ملی گام مهمی است در فائق آمدن بر تفرقه افکنی های ملی در میان کارگران و کلا در جامعه و برای ایجاد شرایط مساعد

برای مبارزه شفاف و بلاواسطه علیه بورژوازی در کردستان. بنابر این حتی به مساله ملی هم از دوزاویه و دو نوع متفاوت برخورد میشود. آن دوره حزب کمونیست ایران بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان را نوشت که کاملاً در برابر تلقی ناسیونالیستی از حل مساله کرد و از خود مختاری و سازشکاریهای ناسیونالیستها با دولت مرکزی و کلا چشم اندازی قرار میگرفت که حزب دموکرات و امثال او در برابر جامعه قرار میدادند.

راديو پیام: شما اشاره به آن دوره میکنید. استناد میشود به اینکه در آن زمان هم منصور حکمت بحث مذاکره با حزب دموکرات را مطرح کرد و هیاتی از حزب کمونیست ایران با حزب دموکرات وارد مذاکره میشوند. تفاوت آن شرایط با شرایط امروز چه هست که آن موقع مجاز بوده است و الان نیست؟

حمید تقوائی: مذاکره با هیچکس در هیچ دوره ای ممنوع نیست. با شیطان بزرگ هم میشود مذاکره کرد. همان موقع حزب کمونیست ایران با حکومت صدام حسین ارتباط داشت. صدام حسین در آن دوره با جمهوری اسلامی در حال جنگ بود و ما از این شرایط استفاده میکردیم برای اینکه سیاستهای مستقل خودمان را به پیش ببریم. این تنزل مساله به رابطه و مذاکره با احزاب دیگر مغلطه است. این را نپذیرید. شما با هر حزبی بر سر هر مساله ای که با اهداف و سیاستهای حزبتان خوانائی داشته باشد میتوانید مذاکره و حتی اتحاد عمل داشته باشید. مساله از آنجا شروع میشود که با همان دیدگاه، با همان تبیینات، و با همان تلقی به مردم و مبارزات آنها نگاه کنید که بورژوازی کرد نگاه میکند. ابراهیم علیزاده طوری از جنبش کردستان صحبت میکند که گویا هویت طبقاتی ندارد، گویا دو طبقه مختلف با دو سیاست و افق و اهداف مختلف در کردستان مقابل هم نیستند، گویا خلق کرد و ملت کرد همه یک هدف دارند، گویا کمونیستها و ناسیونالیستها دو گرایش از یک جنبش واحد هستند و

غیره و غیره، وقتی اینطور صحبت میکنید این دیگر اتحاد عمل و ائتلاف نیست، بلکه به این معنی است که دیدگاه و افق و هژمونی بورژوازیکرد را خواه ناخواه پذیرفته اید.

ببینید بورژوازی در همه جای دنیا - و نه فقط در کشورهایی که مساله ملی مطرح است - تمام تلاشش اینست که بگوید ما نماینده ملت هستیم و این ملت گویا یکپارچه و دارای منافع واحدی است. گویا آقای ترامپ نماینده کل مردم آمریکا است. گویا خانم ترزانی نماینده کل مردم انگلیس است. دروغ و فریبی از این فاحش

تروجود ندارد. یک وجه همیشگی فعالیتها ما کمونیستها این است که واقعیات طبقاتی جامعه را برجسته کنیم. و نشان بدهیم که مافع ملی، امنیت ملی، اهداف ملی پوچ است. اینها ادعاهای بورژوازی است برای اینکه "بازار ملی" خودش و "سودآوری ملی" خودش و "استثمار ملی" خودش را سازمان بدهد. از دید طبقه کارگر این طبقات هستند که به تحولات و شرایط سیاسی با جدال و کشمکش و مقابله خودشان شکل میدهند. کمونیستها نماینده طبقه کارگر در این جدال هستند. و این جدال وسیع و همه جانبه ای است. کمونیستها فقط برای لغو استثمار مبارزه نمیکند. ما همه مصائب جوامع امروزی را ناشی از سلطه سرمایه میدانیم و مبارزه علیه هر نوع تبعیض و نابرابری را امر مستقیم خودمان میدانیم. برای رفع ستم ملی، برای برابری زن و مرد، برای جارو کردن مذهب از دولت و جامعه، در دفاع از حقوق کودک، علیه آلودگی محیط زیست، در برابر اعدام و قصاص و قوانین فوق ارتجاعی اسلامی و غیره و غیره. ما کمونیستها برای همه این مسائل راه حل داریم. بورژوازی هم "راه حل" های خودش را دارد. در کردستان هم همه این مسائل مطرح است و مقابله با ناسیونالیسم کرد یک وجه اصلی مبارزه ما در همه این عرصه ها بوده است.

از همان بدو تشکیل حزب کمونیست ایران یک بحث اساسی ما این بود که کومله نماینده جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر هست در شرایط ویژه کردستان که در آن زمان

جنبش مقاومت نامیده میشد. جنبش مقاومت در برابر دولت مرکزی - که در تحلیلهایمان آنرا ادامه انقلاب ۵۷ در کردستان میدانستیم. کومله خود را نماینده طبقه کارگر در این جنبش میدانست ولی حزب دموکرات این را نمی پذیرفت و آن زمان - و تا همین امروز - دیدگاه و نظرانی را مطرح میکرد که متاسفانه امروز از زبان ابراهیم علیزاده جاری میشود. بورژوازی کرد همیشه از یک جنبش واحد بعنوان جنبش ملی کرد صحبت کرده است و همیشه مدعی بوده است که همه احزاب و نیروهای سیاسی کرد گرایشهای مختلف یک جنبش واحد هستند.

بورژوازی در اپوزیسیون خود را نماینده جنبش ملی و در حکومت خود را نماینده ملت میدانند. همه جای دنیا اینطور است. همیشه و همه جا بورژوازی وجود طبقات و تضاد منافع طبقاتی در جنبشها و تحولات سیاسی را انکار میکند. مدتها حزب دموکرات کردستان مدعی بود اصلاً طبقه کارگر در کردستان وجود ندارد و احزاب و نیروهای سیاسی کردستان را گرایشهای مختلفی در یک جنبش واحد و همگانی "برای حل مساله کرد" میدانست. امروز متاسفانه همان دیدگاه و تبیین رابا فرمولبندیهای متفاوت و "چپ" تری از زبان ابراهیم علیزاده میشنوم.

یک بحث اساسی منصور حکمت و کلا رهبری حزب کمونیست ایران در آن دوره این بود که کومله حزب دموکرات رقیب یکدیگر در یک جنبش واحد نیستند، بلکه به دو جنبش متفاوت متعلقند. از دید دو طبقه متفاوت دنیا را تبیین و تفسیر میکنند و سیاست تعیین میکنند و موضع میگیرند و حتی می جنگند یک بحث ما این بود که سنتهای ناسیونالیستی مبارزه پیشمرگان سنتهای ما نیست. مبارزه نظامی کومله مبارزه شاخه نظامی یک حزب کمونیست در کردستان است که رکن و مبنای فعالیتش را جنبش کارگری در شهرهای کردستان تشکیل میدهد.

یک تلاش ما این بود که نشان بدهیم مبارزه نظامی کومله ادامه سنت پیشمرگایستی نیست و حتی در این عرصه نظامی هم ما تفاوتهای

از صفحه ۳

در نقد جهتگیری ناسیونالیستی...

اساسی با حزب دموکرات داریم. اینها ابعاد مختلف تقابل ما با ناسیونالیسم کرد بود و ابراهیم علیزاده بهتر از من در جریان همه این مباحث بوده است. اگر امروز مواضع دیگری میگیرد بخاطر اینست که شرایطی در منطقه ایجاد شده که ابراهیم علیزاده تشخیص میدهد باید بعنوان یک نیروی کرد موضع بگیرد و عمل کند و در چهارچوب جنبش کرد سخن بگوید و در راهی پا بگذارد که چند سال قبل عبدالله مهندی آغاز کرد. متأسفانه امروز کومه به این سمت حرکت میکند.

رادبو پیام: به شرایط منطقه اشاره کردید. این شرایط چیست؟

حمید قنوائی: شرایط امروز منطقه ادامه و مرحله تازه ای از وضعیت عمومی است کهبا جنگ خلیجدر سال ۹۱ شروع شد. در آن مقطع بود که کمونیسم کارگری بحثها ونظراتش را مطرح کرد و بخشی از تشکیلات حزب کمونیست ایران با منصور حکمت و کمونیسم کارگری نیامدند بخاطر اینکه میخواستند در همان چهارچوب سیاستهای منطقه ای باقی بمانند. در آن دوره اگر بخاطر داشته باشید نیروهای ناسیونالیست کرد در عراق تماما در کنار آمریکا قرار گرفتند و زیر حريم هوائی نیروی نظامی آمریکا در منطقه کردستان عراق دولت اقلیمی خود را برپا کردند. دولتی که تا همین امروز مستقر است.

به این ترتیب جنگ خلیج باعث شد که ناسیونالیسم کرد بجلو رانده بشود و سر بلند کند و مدعی بشود. آن اتفاق متأسفانه در حزب کمونیست ایران هم افتاد. ناسیونالیسم خفته در کومه که به تشکیل حزب کمونیست تمکین کرده و رضایت داده بود جان تازه ای گرفت. نهایتاً مقاومت این گرایش در برابر نظرات و تحلیل‌های رادیکال و کمونیستی منصور حکمت، به جدائی منصور حکمت و تشکیل حزب کمونیست کارگری منجر شد. البته نظرات و مباحث کمونیسم کارگری صرفاً بر سر مسائل منطقه نبود. شوروی در حال فروپاشی بود و

منصور حکمت در پاسخ به این شرایط نوین پرچم کمونیسم دیگری، کمونیسم کارگری را برافراشت. او اعلام کرد که باید کمونیسم را نه تنها در پاسخ به مسائل منطقه - که در آن مقطع به گرگه‌گاه اعمال هژمونی آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد تبدیل شده بود - بلکه در سراسر دنیا از زیر آوار دیوار برلین و "کمونیسمهای" غیر کارگری که با فروپاشی بلوک شرق دوره آنها نیز به اتمام میرسید، بیرون کشید و روی پای خودش و جنبش طبقاتی خودش قرار داد. گرایش دیگری در حزب بود که با توجه به موقعیتی که ناسیونالیسم کرد در عراق بدست آورده بود چشم انداز و افق دیگری پیدا کرده بود. امروز هم شاهد نوعی تکرار همان سناریو هستیم.

امروز بعد از سر بلند کردن داعش و فعال شدن نیروهای ناسیونالیست کرد در سوریه و در عراق در کنار و به همراه نیروهای آمریکائی و بلوک متحد آمریکا در منطقه، به نوعی مساله کرد دوباره در چارچوب کشمکشها و مناقشات منطقه ای بجلو رانده شده است و نیروهای ناسیونالیسم کرد میدان عمل تازه ای برای مانورها و یارگیریهای همیشگیشان بین دولتها و بلکوبندیهای قومی - ناسیونالیستی - مذهبی در منطقه یافته اند. همیشه ناسیونالیسم کرد تلاش کرده است بقول خودش در "شکافهای منطقه" راهی بجلو باز کند و امروز بلکوبندیهای اخیر منطقه حول بحران سوریه و جنگ با داعش شرایط تازه ای برای ایفای نقش ناسیونالیسم کرد بوجود آورده است. "شکافهای منطقه ای" مورد نظر ناسیونالیسم کرد امروز شکل یک جنگ وحشیانه بین دار و دسته های هار قومی و اسلامی، دولتهای ارتجاعی منطقه - بویژه عربستان و ترکیه و جمهوری اسلامی - و دخالتگریهای دولت آمریکا و روسیه را بخود گرفته است و نیروهای ناسیونالیست کرد بخیال خود بدنبال استفاده از این شرایط برای به بازی گرفته شدن و سهیم شدن در قدرت سیاسی و بنوعی تکرار تجربه دولت اقلیمی در عراق هستند. در نقد مواضع اخیر کومه نوشته ای دیدم که میگفت کومه به

نیروهای اسلامی و غیره در موارد متعددی با سازمانها و گروههای دیگر حتی نیروهای غیر کمونیست کمپینهای مشترکی داشته است. مساله این نیست. مساله اینست که در توضیح این حرکت مشترک بجای اینکه آنرا یک اتحاد عمل مقطعی بین یک حزب کمونیستی و ناسیونالیستی بدانید و معرفی کنید و بگوئید با یک حزب ناسیونالیستی، که اهداف و استراتژی و سیاستهایش مورد نقد همیشگی ما است برسر انتخابات یک بیانیه مشترک داده اید - که میشد همین را گفت و گذشت - به یک تبیین و توضیح توجیه ماوراء طبقاتی و نادرست و توهم برانگیز متوسل میشوید. ابراهیم علیزاده میگوید مردم میخواهند ما در کنار هم ظاهر شویم. این وحدت طلبی مردم را نمیشود غیر انتقادی پذیرفت و بر مبنایش سیاست تعیین کرد. پس نقش پیشرو شما، نقش آگاهگرانه شما چه میشود؟

فرهنگ مسلط بر مردم فرهنگ طبقه حاکمه است. اینکه ما خلق کرد هستیم و باید در برابر دشمن اصلیمان که فارسها هستند متحد باشیم و منافع و خواستههای ملت کرد یکسان است و غیره اینها را بورژوازی کرد در ذهن جامعه فرو کرده است. یک وظیفه تعطیل ناپذیر ما کمونیستها نقد و افشای این دروغ و فریب است. اگر هم جانی وحدت عمل تاکتیکی با یک حزب راست بورژوائی داریم تبلیغات و آگاهگری خودمان را تعطیل نمیکیم. ابراهیم علیزاده ماسفانه کاملاً برخلاف این حرکت میکند. پاسخ به "وحدت طلبی مردم" در واقع توجیه و محملی است برای تمکین به توهم پراکنی های ناسیونالیستی در جامعه.

اینرا هم بگویم که این موضعگیری ناسیونالیستی کومه ابتدا بساکن نبود. دوسال قبل ابراهیم علیزاده روایتی از تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران بدست داد که بطور عجیبی نقش اتحاد مبارزان و مارکسیسم انقلابی و منصور حکمت در آن خط خورده بود. من یاد آن عکسهائی از انقلاب اکتبر افتادم که استالین با رتوش کردن تصویر تروتسکی منتشر میکرد. این روایت جعلی از تاریخا تقدیر شور بود که حتی در صفوف

خود حزب کمونیست ایران مورد اعتراض قرار گرفت. کادرهای قدیمی تر که در تجربه تشکیل حزب دخیل بودند نمیتوانستند این درجه از تحریف و مسخ و انکار حقیقت را براحتی بپذیرند. این امری اتفاقی نبود، تاریخ و سابقه کمونیستی کومه را بازسازی میکردند که به مذاق ناسیونالیستها خوش بیاید.

مورد دیگر شرکت کومه له در کنگره ملی کرد بود که گرچه بجائی نرسید ولی نشانه دیگری از جهتگیری ملی - منطقه ای این سازمان بود.

میخواهم بگویم موضعگیری اخیر کومه در مورد انتخابات آخرین مورد از یک حرکت به راست است که نشانه ها و جوانه هایش از چند سال قبل قابل مشاهده بود. با این همه من شخصا تصور نمی‌کردم که زمانی مصاحبه ای از ابراهیم علیزاده بشنوم که "در پاسخ به وحدت طلبی مردم" کومه و خبات و حزب دمکرات را متعلق به یک جنبش بداند.

جالب اینجاست که خود ابراهیم علیزاده میگوید خبات به تعهدش پایبند نماند و از انتخابات شوراها دفاع کرد. خوب سؤال من اینست که اگر واقعا میخواستید در همان کردستان یک موضع رادیکال شفاف و پیگیر علیه انتخابات اتخاذ کنید بهتر نبود با احزاب و نیروهای کمونیست در کردستان اتحاد عمل داشته باشید؟ شما با کسانی ائتلاف کرده اید که حتی بر سر انتخابات موضع پیگیر و قاطعی نداشته اند. توجیه ابراهیم علیزاده اینست که به این ترتیب مردم متوجه ناپیگیری نیروهای دیگر میشوند! باید گفت مردم نیازی به این نوع تجربه سازها ندارند. مردم منتظر ائتلاف شما نبودند تا سازمانی مثل خبات را بشناسند. ناپیگیریها، سازشکاریها، و مواضع ارتجاعی نیروهای ناسیونالیست و مذهبی در کردستان که در دوره ای با بنی صدر ساختند و در دوره دیگری با خاتمی و امروز هم با روحانی، معرف حضور همه هست. اینها را همه مردم تجربه کرده اند و نقد این مواضع جزئی از آگاهگری همیشگی ما کمونیستها بوده است. ائتلاف شما ناپیگیری اینها را برملا نمیکند، برعکس به آنها اعتبار میدهد. خیلی ها حتی اسم سازمان

در نقد جهتگیری ناسیونالیستی...

از صفحه ۴

خبات را فراموش کرده بودند اما با این ائتلاف دوباره مطرح شد و اسمش سر زبانها افتاد. نکته مهم دیگر اینست که برای یک حزب سیاسی ائتلاف فقط یک عمل مقطعی و دوره ای نیست بلکه بر متن یک استراتژی و سیاست عمومی تری قرار میگیرد. هر حزب سیاسی چپ و رادیکالی که واقعا بفکر مردم است اگر ببیند عمل تاکتیکی اش با وجود دستاوردهای مقطعی که ممکن است دربر داشته باشد، پیامدهای و نتایج سیاسی منفی ای بدنبال خواهد داشت و نهایتا به تقویت موقعیت نیروهای راست منجر خواهد شد عطای آن عمل مشخص را به لقایش خواهد بخشید.

میخواهم بگویم جواب به وحدت طلبی مردم و یا مقابله فعال با انتخابات چیزی را توجیه نمیکند. به نظر من اساس مساله اینجاست که ابراهیم علیزاده دارد کومله و حزب کمونیست ایران را بزیر چتر ناسیونالیسم میبرد و در میدان ناسیونالیسم کرد ظاهر میشود. روایت و تبیینی که علیزاده از تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران داد به نظر من اولین نشانهای بود که دارد از حقیقت و از آنچه واقعا اتفاق افتاد و از رادیکالیسمی که روزی موجب افتخار کومله و حزب کمونیست ایران بود دور میشود.

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استشارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آوردن تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

گوشه ای از هزاران جنایات جمهوری اسلامی علیه مرز نشینان

داده و بارها را انبار میکنند. بارها این اسب و قاطرها را همراه با باری که داشته اند آتش زده اند یا در پاسگاه هایی که این حیوانات رانگه داری میکنند آنان را زجر کش میکنند. درگرمای تباستان ویا سرمای زمستان بدون اینکه به آنان آب و علف بدهند بدون هیچ ترحمی به مرگ تدریجی ازین میروند ویه خیال خود انتقام گرفته اند. این حکومت وحشی و تروریست در این مناطق مرزی یک سری انسان نمای وحشی آدمکش و مغرض را در پستهای مختلف دولتی قرار داده وعلیه مردم روزانه کشتار شکنجه و آدمکشی راه انداخته اند. کولبرانی که برای این دستمزد ناچیز و امرار معاش این همه درد ورنج و مشقت را تحمل میکنند چندین مرحله را باید برای تردد پشت سر بگذارند تا اینکه به کمین نیافتند. اما در این میان مخبرها و مزدورانی هستند که با حکومت دست به یکی شده و همه مسیرهای این کاسبکاران را گزارش و مخبره میکنند. اگر گلوله نیروها آنها را هدف نگیرد، همین های کاشته شده ویا عوامل طبیعی مثل پاراسال که ریزش بهمین بود جانشان را گرفته و تهدید میکند. این طیف از مردم کولبر و کارگران مرزی هیچگونه پشتوانه ای نداشته صدایشان خاموش ویه جای نرسید، حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی نه راهی برای امرار معاش گذاشته نه جوابی برای این کشتارها دارد. بجز کشتار بی رویه و روزانه آنان.

کولبران به حمایت همگانی نیاز دارند و باید متحد و منسجم جلوی این بی عدالتی و کشتارها و بیکاری ها را گرفته و اعتراضات گسترده ای را سازمان بدهند. باید صدای کولبران راهمگانی کنیم و مسببین کشتار کولبران را شناسایی و افشا کنیم. باید با سازمان دادن و شناسایی فعالین دفاع از حقوق کولبران و کاسبکاران مرزی به این توحش و کشتار حکومت اعتراضات گسترده ای جلوی ادارات دولتی فرماندای و هنگ مرزی ها سازمان داد.

سرنگون باد حکومت تروریست و

آدمکش جمهوری اسلامی

میکند که بارها دیده ایم که وزن این کالاها چندبرابر وزن خود کولبرها بوده و کولبرانی که مشکلات فیزیکی و دارای ناتوانی جسمی هستند بیشتر دچار مشکل میشوند ویه ناچار وازروی اجبار مجبور به حمل این کالاها سنگین هستند ویا زحمت ویا رنج و بدبختی حمل می کنند و تنها با کمترین حقوقی که میگیرند بین چهل هزار تا هفتاد ویا گاه هشتاد هزار تومان این کالاها را بسوی آن طرف مرز یعنی ایران وارد میکنند. دلان ویا صاحبان انبارها ویا کالاها گاه ازروی طمع ورزی خود کولبران را مجبور به حمل کالای اضافی تر یعنی سنگین تر ویا همان کرایه میکنند و دو انتخاب روبروی این کولبران قرار میگیرد یا باید حمل کنند در هر صورت ویا حالا که به آن طرف مرز رفته اند اگر این کار را انجام ندهند، مجبورند با دست خالی برگردند. عده ای از کاسبکاران با اسب و قاطر این کالاها را جابجا میکنند. در واقع برای تامین معاش و دست آوردن چندرغازی تنها نان آور خانه برای خیلی از خانواده های مرز نشین این اسب و قاطرها هستند. قیمت این اسب و قاطرها هم خیلی زیاد هست. بارها دیده ام افرادی که میخواستند بوسیله اسب و قاطر به مرز بروند ویا جابجا کنند، کلیه سرمایه خودشان را فروخته ویا از دیگران قرض گرفته اند که این وسیله (اسب/قاطر) را بتوانند بخرند تا بوسیله این سرمایه زندگی شان را بچرخانند. بوده اند عده ای که طلا یا تکه زمینی که داشتن اند ویا گاو وگوسفندی که در مناطق مرزی داشته اند بفروش برسانند برای تهیه اسب یا قاطر و بوسیله آن امرار معاش کنند. نیروهای رژیم بارها اسب و قاطر ها را کشته اند و بوسیله گروهی که این حیوانات را بدام انداخته ویا از قافله جا مانده را اعدام دسته جمعی کرده اند. به کولبران شلیک میکنند و حتی اگر هیچ وسیله نداشته باشند و تنها در مسیر خود ببینند هدف گلوله سپاه ویا نیروهای انتظامی قرار میگیرند. وقتی که اسب و قاطرها را با بار میگیرند به هنگ مرزی و پایگاه های خود انتقال

جنایات و کشتار عامدانه کولبران بخشی از سیاست و زهر چشم گیری از مردم است. هرروزه شاهد اتفاقات ناگواری از جمله کشتار کولبران و شلیک مستقیم بسوی کاسبکاران مرزی هستیم. در مناطق مختلف مرزی شهرهای کردستان از جمله سردشت پیرانشهر، میروان بانه وغیره این طیف از کارگران مرزی که تنها راه امرار معاش و چندرغازی که با هزاران زحمت و ریسک پذیری انتخاب و جانشان را در گرو بدست آوردن لقمه نانی به خطر می اندازند. حکومت جمهوری اسلامی به هر شیوه ممکن از چندسال گذشته سعی در بستن راه های مرزی و مسیرهای عبور و رفت و آمد این کاسبکاران کرده است. دیوارهای بتونی سیم های خاردار ویا از روشهای الکترونیکی در بین مرز بین ایران و عراق استفاده کرده تا مانع از تردد کارگران و کولبران شود. جمهوری اسلامی هرگاه در داخل سیاست های منطقه ای و دیپلماتیک خود دچار شکست و سرخوردگی میشود، این سیاستهای مغرضانه را روی کارگران در مناطق مختلف ایران از جمله بیکارسازی آنان و سرکوب ها ویا در مناطق مرزی با کشتار کولبران خالی میکند. چند ماه گذشته شاهد بیشترین کشتار کولبران بوده ایم و این کشتارها بیشتر در مرزهای دوروبر سردشت رخ داده است. کولبران زحمتکشی که در بین آنان از کودکان و زنان گرفته تا تحصیل کرده هایی با مدارک بالای دانشگاهی و افراد مسن که هیچ راهی جز این انتخاب سخت که مرگ و زندگی است ندارند.

در مدیای اجتماعی و سایت های مختلف بارها دیده ایم از ویدیوها و تصاویری که کولبران مورد کشتار و حشیانه رژیم قرار گرفته اند. کالاهایی که مردم از مرز عبور میدهند و سایل الکتریکی مثل تلویزیون، کولرگازی، یخچال، پوشاک و وسایل بهداشتی و آرایش، لاستیک ماشینی، سیگار، پارچه وغیره هستند. این کالاها از نظر حکومت قاچاق و معنوان به خطر انداختن امنیت ملی و اقتصاد وطنی نام برده میشوند. برخی از کولبرها با کول حمل

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بی حقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است.



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستان

تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن نهضت سواد آموزی در سنندج

۲۹ خرداد ماه، شماری از اعضای تعاونی مسکن نهضت سواد آموزی سنندج در اعتراض به ناتمام ماندن پروژه تعاونی مسکن، مقابل درب مسجد قبا دست به تجمع زدند. به گفته معترضین بیش از ۱۵ میلیارد تومان پول از اعضای اتحادیه جهت تکمیل این پروژه گرفته شده اما اکنون بعد از سپری شدن چند سال مشخص شده که این پول صرف ساخت و ساز نشده است. معترضین با سردادن شعارهای اعتراضی خواستار حسابرسی مجدد شدند. شماری از معترضین پس از بی نتیجه ماندن این تجمع، مقابل سایت اداری تعاونی مسکن واقع در شهرک اندیشه نیز تجمع کردند، اما در آنجا نیز با این جواب روبرو شدند که اعضا بروند شکایت کنند و خود پیگیری کارهایشان باشند.

تجمع اعتراضی اهالی روستای آلتون سقر

۲۹ خرداد شماری از اهالی روستای «آلتون» سقر در اعتراض به تخریب راه این روستا توسط اداره راه رژیم دست به تجمع زدند. به گفته اهالی این روستا اداره راه و شهرسازی رژیم در سقر قصد دارد با تخریب مسیر منتهی به این روستا اقدام به سخت زیگر کند. به همین منظور شماری از اهالی این روستا با بستن کمربندی سقر- بوکان، نسبت به این اقدام مقامات رژیم اعتراض کرده و خواستار توقف ساخت این پروژه شدند.

طوفان تویبتری با هدف حمایت از کولبران و تحت فشار قرار دادن حکومت ایران راه اندازی شد

فعالان سیاسی و مدنی کردستان ایران با راه اندازی طوفان تویبتری در حمایت از کولبران در کردستان می خواهند حکومت جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. فعالان سیاسی و مدنی کردستان ایران با انتشار فراخوانی در شبکه های اجتماعی از مردم

کردستان می خواهند که برای حمایت از کولبران کرد در این طوفان تویبتری شرکت کنند. این فعالان هدف از راه اندازی این طوفان تویبتری را دفاع از حق حیات و کرامت انسانی کولبران و اعتراض به تداوم کشتار آنان از سوی مأموران دولتی و رساندن صدای این اعتراض به سازمان های جهانی حقوق بشری و افکار عمومی عنوان نموده اند. زمان در نظر گرفته شده برای آغاز این طوفان تویبتری، روز یکشنبه بیست و هشتم خرداد ماه ساعت ۲۱ به وقت کرمانشاه اعلام گردیده است.

این طوفان تویبتری با هشتگ **KurdishLivesMatter#** آغاز می شود.

هدف از این کار، «داغ» کردن هشتگ حمایت از کولبران می باشد که به یکی از موضوعات داغ تویبتری تبدیل شود و رسانه های معتبر بیشتر به این موضوع بپردازند و حکومت را تحت فشار قرار دهند.

کولبری یکی بزرگترین چالش های روبروی مردم مناطق مرزی است و خانواده های زیادی از این راه امرار معاش می کنند. در سال ۹۵ در مجموع ۱۵۴ کولبر کشته و زخمی شده اند که ۶۶ نفر از آنان کشته و ۸۸ تن دیگر زخمی شده اند.

شلیک نیروهای نظامی، مسئله کولبران را به یک ترازوی تبدیل کرده است

۲۵۰ فعال مدنی و سیاسی کردستان ایران با انتشار نامه ای سرگشاده ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده های کولبر جانباخته اهل سردشت و دیگر قربانیان این سالها، مراتب نگرانی عمیق و انزجار شدید خود را از هرنوع برخورد خنونت آمیز با کولبران و مسئله کولبری اعلام نمودند.

حمله نیروهای انتظامی به مردم روستاهای آق دره

عصر روز پنجشنبه ۲۵ خرداد نیروهای انتظامی با یورش به مردم معترض روستاهای آق دره در شهرستان

تکاب آذربایجان غربی، شماری از شهروندان منجمه چند زن را زخمی کرده و شماری را نیز بازداشت کردند. اهالی روستاهای آق دره علیا، آق دره سفلی و آق دره وسطا که در مجاورت معدن طلای آق دره تکاب زندگی میکنند، مدت بیست روز است در اعتراض به بیکاری و عدم بکارگیری آنها در این معدن دست به تحصن و تجمع زده اند.

معترضین میگویند: «ما به نشانه اعتراض به بیکاری شدید، از بین رفتن مراتعمان و قراردادهای فصلی، دست به تحصن زدیم. اعتراض ما مسالمت آمیز و خواسته هایمان برحق است. در روزهای گذشته چندین نفر از ما به اداره اطلاعات سپاه فراخوانده شده بودند و تهدید شده بودند که در صورت ادامه تحصن با اتهام اقدام علیه امنیت ملی مواجه خواهیم شد.»

یک شاهد عینی نیز در مورد درگیری نیروهای انتظامی با اهالی آق دره گفت: «آنها برای پایان دادن به تحصن مسالمت آمیز ما، متوسل به زور شدند. زنان میخواستند از این اقدام جلوگیری کنند ولی آنها هر کسی را که اعتراض میکرد کتک میزدند.»

بعد از این واقعه چندین تن از اهالی این روستاها توسط نیروهای حکومتی بازداشت شده اند. برخی از بازداشت شدگان بعد از بازجویی و دادن تعهد آزاد شده اند.

در دی ماه سال ۱۳۹۳ کارفرمای معدن طلای آق دره ۳۵۰ نفر از کارگران معدن طلای آق دره را اخراج میکنند. در اعتراض به اخراج کارگران در محوطه معدن تجمع های اعتراضی برگزار میکنند. در همین رابطه سه نفر از کارگران اخراجی معدن آق دره اقدام بخودکشی میکنند.

شرکت پیمانکار اصلی معدن طلای آق دره، ۳۵۰ نفر از کارگران فصلی معدن را به دلیل انتمام مدت قرارداد کاری شان اخراج کرده بود، که با واکنش و اعتراضی کارگران اعتراضی روبرو شد. کارگران در محوطه معدن دست به تجمع اعتراضی زدند. علیه این تجمع اعتراضی در آن زمان با شکایت کارفرما تحت عنوان ازدحام و ایجاد اغتشاش، علیه ۱۷ نفر از کارگران اعلام جرم شده بود. کارگران بر اساس دو پرونده قضایی که علیه آنان تشکیل شده بود، به ترتیب در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری در شهر تکاب و شعبه ۱۰ تجدیدنظر استان آذربایجان غربی محاکمه شدند

کارگران اخراجی معدن طلای آق دره خواهان لغو قرار داد بصورت یک جانبه از سوی کارفرما بودند. کارفرمای معدن طلای آق دره با

همکاری دادگاه قضایی تکاب در اوایل خرداد ماه ۹۵ احکام وحشیانه و قرون وسطایی علیه ۱۷ کارگر اخراجی معدن طلای آق دره در آذربایجان غربی، از جمله پرداخت جریمه نقدی و تحمل ضربات شلاق به اجرا گذاشته شد.

در یک روز سیاه که بامدادش با نفرت عمیق از کارگر و مزدبگیر شروع شد، شلاق نظام استبدادی فاشیسم اسلامی بر بدن کارگران معترض معدن طلای آق دره ضربه هایش را بر اساس قوانین فقهی وارد کرد. دست جنایتکارانه مشتکی مزدور با احکام دادگاه های قضایی جنایت شلاق را انجام میدهند. در این لحظات کارگران و خانواده هایشان حاکمیت یک نظام استبدادی سیاه با قوانین قضایی قرون وسطایی را تجربه میکنند. دست های کثیف یک مشت جانی و حافظ نظام اسلامی بر پیکر رنج دیده کارگران با شلاق اسلامی به هوا پرتاب میشود و در همین لحظات است که بشریت احساس میکند که اگر اعتراض نکند، به دنیا نگوید که چه جنایتی بوقوع پیوسته سرگردنی کوچک، شده است.

جنایت دولت و کارفرماها علیه کارگران بيشمارند. نظام فاشیستی - اسلامی حاکم در ایران علیه کارگران و مردم معترض دست به اقدامات جنایتکارانه میزند. حمله نیروهای انتظامی به مردم معترض روستاهای آق دره را قویا محکوم میکنیم.

۲۶ خرداد ۱۳۹۶

۱۶ ژوئن ۲۰۱۷

از صفحه فیس بوک
نسرین رضاعلی

حسن روحانی با بیشرمی تمام امروز در میان ورزشکاران از حقوق زنان سخنرانی او میگوید ۳۰ سال پیش زنان نمیتوانستند از ورزش صحبت کنند اما امروز شاهد حضور زنان در تمامی عرصه های ورزش هستیم! حسن روحانی که خود در دهه ۶۰ پیشنهاد اعدام مخالفان را در ملاعام میداد تا برای سایبرین درس عبرت شود. اینچنین بیشرمانه از حقوق زنان و حضورشان در عرصه های ورزشی صحبت میکنید.

باید به روحانی یادآور شد که زنان در ایران و جنبش آزادی زن هر روز حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی و فسیل شده اسلامی اش را به مصاف طلبیده است. زنان به دستور فرمان امام

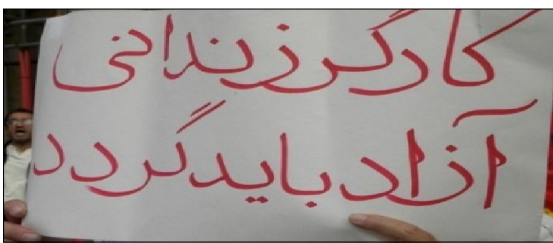
تان قرار بود کنیز باشند. شما میخواستید با همین قوانین پوسیده اسلامیستان زنان را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محو و نابود کنید.

اگر امروز آمار زنان دانشجو در دانشگاهها بسیار بالا است، اگر امروز زنان در تمامی عرصه ها حضور فعال دارند، اگر امروز زنان در صف اول هر اعتراض به وجود منحوس حکومت شما هستند به یمن وعده های پوچ شما نیست. مبارزات زنان هر روزه و هر لحظه در جریان بوده است. آقای روحانی یادتان رفته است شما و حکومتتان گله های حزب الله را در خیابانها بجان زنان انداخته اید؟ یادتان رفته است با شعار یا روسی یا توسری علیه زنان نعره کشیده اید؟ یادتان رفته است روسری را با پونس بر پیشانی زنان چسبانید؟ حتما یادتان نرفته است فقط خود را به نفهمی زده اید.

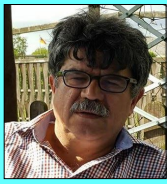
شما خوب میدانید اگر مبارزات هر لحظه و ثانیه زنان نبود امروز همچون زنان در افغانستان در دوره طالبان زنان نه نامی داشتند نه حقوقی نه اسمی و نه چهره ای. یادتان نرفته است چگونه بر صورت زنان اسید پاشیدید تا به عمر و حیات ننگین حکومتتان تداوم ببخشد. زنان در ایران و جنبش آزادی زن هزینه های سنگینی پرداخته است. بله این افتخار جنبش آزادی زن و زنان است که «آزادی های یواشکی» و چهارشنبه های بدون حجاب برپا کرده اند. امروز زنان برای حضور در استادیوم های ورزشی می جنگند و هنوز دارند هزینه های سنگینی میدهند. امروز زنان بسیاری هستند که در تمامی عرصه های زندگی به یمن وجود شما و حکومت ارتجاعی و قوانین فسیل شده قرون وسطی هزینه های سنگینی می پردازند اما کوتاه نمی آیند.

جناب روحانی! حنای حکومت شما خیلی وقت است رنگی ندارد. ادامه امروز تا فردای حکومت ضد زن و ضد انسانی شما فقط بخاطر ماشین سرکوبی است که علیه مردم بکار می برید. امروز زنان از حششان، از هويتشان، از نامشان و از وجودشان نه تنها دفاع می کنند بلکه علیه شما فراموش نکنید. انقلاب آتی در ایران انقلابی زنانه است!

نسرین رضاعلی ۸ ژوئن ۲۰۱۷



قرار در مورد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی



در خواب

آهنگی بر خاسته
از به هم ساییدن دندانها
هر خوابی را آشفته می ساخت
و تنم وحشت زده از ترس مرگ می لرزید،
همسر رنگ پریده و هاج واج در اوج وحشت
برای بازپس گرفتنم در تقلا بود
مرگ خونه ما بود
صدای قدمهایش را می شنیدیم
یعنی دیدمش لباس خاصی داشت
موجودی پر از وحشت
وحشناک است دیدن مرگ در خواب
پزشکان نجات به من آمپول آرامش تزریق کردند
چون فهمیده بودند که من ترسیدم و از ترس می لرزم
همسرم ذوق زده، برایم قیماق جای آورد،
به خیالم او در اوج وحشت گم شده بود
من در خواب دیده بودم
مردی را در چهار راه اصلی شهر
زنده زنده آتش زدند

مردمان عجیبند، مردم این دیار،
شعور را به آتش سپردند
و خود دور آن شادیکان می رقصند.

مردم برای کار و تامین زندگی را
سرکوب میکند باید گورش را گم
کند.

حزب کمونیست کارگری ضمن
دفاع از خواست های بحق کارگران
آق دره، کلیه کارگران شاغل و بیکار
در سراسر کشور را به گسترش
مبارزه برای کار یا بیمه بیکاری
فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ خرداد ۱۳۹۶
۱۷ ژوئن ۲۰۱۷

تاسف کردند!
حزب کمونیست کارگری،
کارگران و تشکل های کارگری در
سراسر کشور، نهادهای مختلف
دانشجویی، نویسندگان و هنرمندان
و کلیه نهادهای پیشرو در کشور و
همینطور سازمان های کارگری در
کشورهای دیگر را فرامیخواند اقدام
جنايتكارانه حکومت، نیروهای
انتظامی و سیستم قضایی آنرا
محکوم کنند و خواهان آزادی فوری
کارگران دستگیر شده و لغو هر نوع
پرونده ای که علیه آنها تشکیل شده
است بشوند. حکومتی که اعتراض

حزب کمونیست کارگری ایران
ضمن ادامه حمایت فعال از زندانیان
سیاسی و خانواده هایشان بر اهمیت
مبارزه متشکل برای آزادی زندانیان
سیاسی تاکید میکند و تمام تلاش
خود را جهت تقویت و پیشبرد هر چه
بیشتر این مبارزه و ایجاد کانالهای
همبستگی جهانی در حمایت از
آزادی زندانیان سیاسی به کار
میگیرد.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ ژوئن ۲۰۱۷
۲۹ خرداد ۱۳۹۶

توضیح: اصل این قرار به کنگره
دهم حزب ارائه شده بود که به دلیل
ضیق وقت مورد بررسی قرار نگرفت
و به کمیته مرکزی و نهایتاً به دفتر
سیاسی سپرده شد.

اصولی اعتراضات و تجمعات در
ایران تبدیل شده است و مردم در
ابعاد وسیعتری هر روزه از زندانیان
سیاسی و خواسته هایشان حمایت
میکند. بویژه مقابله با پرونده
سازهای امنیتی عرصه و جبهه تازه
ای را در مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی گشوده است. رژیم فعالین و
زندانیان سیاسی را عمدتاً با اتهام
اقدام علیه امنیت کشور مورد
پیگیری و دستگیری قرار میدهد و
مبارزه علیه این پرونده سازهای يك
جزء مهم مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی است.

نزدیک به چهار دهه سرکوب و
شکنجه و زندان، نتوانسته است
صدای آزادیخواهی و تلاش و مبارزه
برای يك دنیای بهتر را خاموش کند
و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
به بخش مهمی از جنبش برای
سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل
شده است.

در ایران تحت حاکمیت رژیم
اسلامی رسماً آزادی عقیده و بیان و
حق تشکل و تحزب وجود ندارد. از
ابتدای حاکمیت رژیم اسلامی در
ایران دستگیری و شکنجه و اعدام
مردم و فعالین معترض و مخالف
حکومت بخش جدایی ناپذیر
دستگاه حاکم بوده است. ما هر روزه
شاهد تهدید و اذیت و آزار، زندان و
شکنجه و صدور حبسهای طویل
المدت برای فعالین کارگری، فعالین
مدافع حقوق کودک، حقوق زن و سایر
فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم.
خانواده های این زندانیان مداوماً از
سوی رژیم مورد تهدید و اهانت و
بعضا دستگیری قرار میگیرند.

علیرغم فشارهای رژیم، زندانیان
سیاسی و خانواده هایشان جسورانه و
با عزمی راسخ در اشکال مختلف در
مقابل سیاست های سرکوبگرانه
مبارزه کرده اند. شعار آزادی
زندانیان سیاسی به یکی از شعارهای

حمله و حشیانه به کارگران بیکار در آق دره و دستگیری کارگران معترض

زدن به کارگران این معدن در سال
قبل نمیکند.

لازم به یادآوری است که در
فروردین سال قبل طبق حکم دستگاه
قضایی جمهوری اسلامی با شکایت
کارفرما ۱۷ کارگر معدن را در يك
اقدام جنایتکارانه شلاق زدند و به
حبس تعزیری محکوم کردند. خبر
در سطح کشور پیچید و موج
وسیعی از اعتراض و انزجار علیه
شلاق زدن کارگران براه افتاد و احزاب
چپ، تشکلهای کارگری، فعالین
سیاسی، نویسندگان، زندانیان
سیاسی و سازمانها و تعدادی از
سازمانهای کارگری در کشورهای
دیگر و برخی نهادهای بین المللی
عمل جنایی حکومت و سیستم
قضایی اش را محکوم کردند.
بطوری که مقامات حکومت
اعتراف کردند که «افکار عمومی
جریحه دار شده است». با عجله
اعلام کردند که مدیر کل کار استان
آذربایجان غربی را بخاطر «بی
اطلاعی» برکنار میکنیم و ریاکارانه
پس از چند ماه از شلاق خوردن
کارگران اظهار بی اطلاعی و اظهار



نشدند و نهایتاً به يك حمله
جنايتكارانه به تجمع و تحصن آنها
متوسل شدند. کارگران خواهان
بازگشت به کار، تبدیل قراردادهای
موقت به قراردادهای دائم هستند.
جوانان بیکار این منطقه خواهان کار
و تامین زندگی هستند.

سایت ایلنا وابسته به خانه
کارگر حکومت بیشرمانه طوری خبر
حمله به کارگران را منعکس کرده
است که گویی خانواده های کارگری
با شلوغ کاری مانع فعالیت معدن
شده اند و کارفرما مجبور به تعطیل
کار شده است. ایلنا با این گزارش
اقدام جنایتکارانه حکومت را توجیه
کرده کوچکترین اشاره ای به شلاق

روز ۲۵ خرداد نیروهای سرکوب
جمهوری اسلامی در همراهی با
مدیران معدن طلای آق دره در تکاب
آذربایجان و حشیانه به تحصن
کارگران بیکار و کارگران اخراجی این
معدن و خانواده های آنها یورش
بردند. در این یورش حداقل ۱۳ نفر
مجرور و سه نفر بیهوش و ده نفر
دستگیر شدند.

تجمع اعتراضی کارگران
اخراجی و بیکار آق دره مدتی است
ادامه دارد. مدیران و مسئولان
حکومتی در این منطقه تلاش
زیادی کرده اند که با تفرقه میان
کارگران شاغل و بیکار و به اصطلاح
بومی و غیر بومی و همینطور تهدید
آنها اعتراض را بخوابانند اما موفق

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!